

این مطلب دوبار در «روزگار نو» آمده است؛ یکبار در دفتر اول (سال چهارم) و بار دیگر در دفتر اول (سال چهاردهم). مطلب را از دفتر سال چهارم نقل می‌کنیم و تنها بخشی را که در این دفتر نیامده است را، در ابتدا، از دفتر سال چهاردهم می‌آوریم:

روزگار نو - اسفند ۱۳۷۳

بمناسبت شانزدهمین سالگرد جمهوری اسلامی

-۲-

... و این است کارنامهٔ نه ماه حکومت من!

چنانکه در شماره قبل آمد، سیزده سال پیش در ۲۲ بهمن ۱۳۶۰، مهندس بازرگانی که عمری سنگ اسلام و شریعت را بسینه زده و در طی نه ماه حکومت خود نیز از هیچ تلاشی برای جا انداختن نظام جمهوری اسلامی در ایران فک زده، مضایقه نشان نداده بود... همه آن چیزهایی را که میخواست بنا بر اعتقاد خود در روز محشر در پیشگاه عدل الهی بگوید، برای اعضاء جمعیت نهضت آزادی ایران شرح داد که نیمی از آن در شماره پیش آمد و اینک نیمه دوم آن:

وظیفه و مسئله ای که بلافاصله پس از انتخاب من به نخست وزیری پیش آمد و کاری بسیار دشوار در آن شرایط تاریک و خطرناک محسوب میشد، جستجو و تکلیف و تعیین وزراء بود. طبیعی است که کابینه نمی بایستی انحصار به نهضتی ها داشته باشد بلکه باید جنبه ائتلاف و اتحادی بخود میگرفت از همه مبارزین با شهادت و مخالفین رژیم گذشته که از سال ۱۳۲۰ باین طرف، هم مسلمانی و هم مبارز بودن خود را (همانطور که در فرمان بنده تأیید شده بود) خصوصاً از ملی شدن نفت بیعد نشان داده بودند. در جمع شورای انقلاب بنده چهار شرط را برای این وزراء عنوان کردم:



۱. مسلمان عامل بفرائض.
 ۲. سابقه مبارزاتی مشخص و عدم همکاری سیاسی و تبلیغاتی با نظام شاهنشاهی.
 ۳. حسن شهرت و شایستگی اخلاقی و اجتماعی و پذیرش شخصی و اداری در وزارتخانه مربوطه.
 ۴. سابقه و آشنائی و صلاحیت اداری و فنی در وظیفه ارجاعی.
- اولین اختلافی که در چهارچوب شورای انقلاب با آقای دکتر بهشتی پیدا کردم بر سر شرط چهارم فوق بود. ایشان عقیده بخلاف آن و اکتفا کردن و ارجحیت دادن شرط سوم بر همه شرایط داشت و میفرمود: «ما میتوانیم فقدان تخصص و صلاحیت و سابقه و تجربه را با انتصاب يك معاون جبران نمائیم.»

از ۱۵ بهمن تا ۲۸ آن ماه، قسمت عمده ای از اوقات بنده به مشورت با همکاران (بیشتر با آقایان دکتر سحابی، صدر حاج سید جواد، مهندس کتیرانی، مهندس صیباغیان، و دکتر یزدی و تیمسار مسعودی) و با دوستان و مطلعین خارج شورای و بالاخره دعوت و صحبت با نامزدها برای انتخاب وزرا، میگذشت و مکرر از طرف اعضای شورای و علاقمندان و شخص امام پرسش و تأکید به تسریع و راهنمایی میشد. در یکی از روزهای اول پرسیدند: «وزارتی را هم برای آقای بنی صدر در نظر گرفته اید؟» گفتم بنده میترسم به کسی که سابقه اداره یک مکتب خانه را هم ندارد وزارتخانه ای را بدهم. فرمودند من او را میشناسم و خوب است. عرض کردم بنده هم از زمانی که جزو دانشجویان جبهه ملی در دانشکده حقوق بودند آشنائی مختصری با ایشان پیدا کرده ام و آنچه در ایشان شاخص دیده ام این است که اهل همکاری نیست و هیچکس را قبول ندارد، و چون متقاعد نشدند اضافه کردم که اگر آقا مصلحت میدانید که بعنوان مشاور در شورای انقلاب از وجود آقای بنی صدر استفاده نمائید صاحب اختیارید ولی بنده شرعاً خود را مجاز به سپردن يك وزارتخانه به ایشان نمی بینم... امر مسلم این است که علاوه بر خطرات و اشکالات و ابهامات حاکم بر محیط در آن زمان، چهار شرط مذکور در بالا بقدری دائره انتخاب وزرا را تنگ میکرد که اگر احساس وظیفه، شرعی و ملی و آمادگی برای فداکاری در نامزدها وجود نداشت و توکل بخدا، یگانه روزنه امید همه ما نبود به هیچوجه از عهده تنظیم لیست وزرا، در آن مدت کوتاه برقی آمدم و این کار را بنده از مشکلترین و مهملترین توفیقهایی خود دانسته ام.

يك کار دیگر غیر از جستجوی مسئولین جدید کلنجار رفتن با دولت و دستگاه حاکم بود که هنوز همه قدرتها، غیر از ملت و خدا را در دست داشت و ما را بشوخی و فانتوم بازی میگرفت.

بدیهی است که اقدامات و تذکرات با مشورت و صلاحدید آقایان شورای انقلاب و تا حدودی همکاری آنان انجام میشد. اصرار بر این بود که با تأسی به رویه امام و القای تکلیفی که ابتدا به سربازان و ارتشیان و بعداً به کارگران و کارمندان و دست آخر به نمایندگان مجلسین کرده و خواسته بودند تمکین اوامر شاه و نظام غاصب را ننموده بطرف ملت و رهبری انقلاب بیایند و اعراض و استعفا نمایند، ما هم از رؤسای مجلسین و مقامات ارتشی و انتظامی و از دکتر بختیار و هیئت دولت میخواستیم که برای احتراز از هرگونه درگیری و ضایعات، با اعلام پیوستگی به انقلاب و امام، استعفا نموده مشاغل و ابواب جمعی خود را داوطلبانه تحویل دولت قانونی جدید دهند.

قاسمهای زیاد چه شخصاً و چه وسیله آقایان دکتر سحابی و مهندس امیرانظام یا دوستان خارج شورا، از جمله آقای دکتر سیاسی رئیس سابق دانشگاه با آن آقایان گرفتیم و به موفقیتهای عمده ای رسیدیم. از آن جمله اعلامیه شورای عالی دفاع در خودداری سربازان و ارتش از مقابله با ملت بود. آقای دکتر بختیار هم در اوایل بهمن ماه اعلامیه ای در تلویزیون دائره تحلیل و تمکین از امام خواند و قرار بود به پاریس برود و با ایشان ملاقات نماید و استعفایش را شخصاً خدمت امام بدهد که همان شب جریان دیگری در تهران علیرغم نظر آقایان شورای انقلاب پیشی گرفت...

روز جمعه ۱۹/۱۱/۵۷ در اولین فرصت بعد از انتصاب، ترتیبی با کمک دوستان نهضت برای صحبت عمومی با مردم داده شد و مناسبترین محل که انتخاب کردیم

دانشگاه تهران بود. البته احتمال عدم موافقت و بلکه ممانعت و مزاحمت از ناحیه دولت میرفت که خوشبختانه چنین نشد و توانستند شیانه سیستم صوتی را نصب و منظم نمایند بطوریکه سخنرانی در هوای مساعد، در بهترین شرایط و استماع کامل با بزرگترین جمعیت که تمام دانشگاه و خیابانهای اطراف را پر کرده بود، به لطف خدا برگزار شد و آثار رضایت و بشاشت در چهره ها ظاهر گردید. آن عده از همکاران شورای انقلاب مانند آقایان مهدوی کنی و هاشمی رفسنجانی و دکتر سحابی و صدر و کتیرانی که آمده بودند نیز راضی شدند و آینده را امیدوارکننده دیدند. متن سخنرانی که روز بعد در روزنامه ها پخش شد، نشانه دیگری از تسلیم دستگاه و پیروزی جریان بود.

در این سخنرانی غرض اصلی من نخست قاس عمومی آشکار با مردم، خروج بر ملت، ابراز وجود دولت انقلاب و بی اعتنائی به دولت در حال نزاع و پر مدعا بود. ثانیاً اعلام برنامه و خط مشی دولت موقت، ثالثاً گوشزد کردن اینکه توقع معجزه، پیمودن ره صد ساله در يك شب، تبدیل آسان و سریع ایران به گلستان، حل فوری و مطلوب مسائل و مشکلات و بالاخره انجام صحیح و کامل کارها را نباید داشته باشند و بهیچوجه قول نمیدهم که عدالت علی و قاطعیت خمینی را بکار بندم یا وزراتی که انتخاب خواهند شد مریم بافته و عیسی رشته بوده و همگی صلاحیت و عصمت لازم را داشته باشیم، بلکه تنها قولی که میدهم حسن نیت و قصد خدمت، همراه با صداقت است.

دفتر کار و محل مشاوره و ملاقاتها در ساختمان دبیرستان رفاه بود که يك هیئتی

سیمای دولت موقت

از ولادت تا رحلت



در شماره گذشته، آقای مهندس بازرگان شرح داد که چرا در پائیز سال ۱۳۵۷ به پاریس رفت، چه مذاکراتی با خمینی در "نوفل لوشاتو" داشت و شورای انقلاب از چه افرادی تشکیل شد و چگونه خمینی نخست وزیری دولت موقت را به او تکلیف کرد و او در روز ۱۹ بهمن آن سال در دانشگاه تهران، میتینگی ترتیب داد و گفت که: "بهیچ وجه قول نمی‌دهم که عدالت علی و قاطعیت خمینی را بکار ببندم یا وزرائی که انتخاب خواهند شد مریم یافته و عیسی رشته باشند... بلکه تنها قولی که می‌دهم حسن نیت و قصد خدمت همراه با صداقت است" و اینک دنباله آن گزارش:

دفتر کار و محل مشاوره و ملاقاتها در ساختمان دبیرستان رفاه بود که یک هیئتی بنام ستاد برگزاری استقبال از امام (از جمله آقایان مهندس توسلی مسئول تبلیغات، مهندس صباغیان مسئول برنامه‌ریزی، تهرانچی مسئول انتظامات، شاه‌حسینی مسئول تدارکات، دکتر مفتاح سخنگو، شیخ فضل‌الله محلاتی رابط روحانیت و مطهری سرپرست کمیته استقبال) آنجا

را اداره و حفاظت میکردند. در حالیکه ازدحام فوق‌العاده و آمد و رفت‌های همه جور در آنجا و کوچه‌های اطراف و خیابان ایران صورت میگرفت و دولت بختیار حاکمیت و رسمیت داشت خیابانهای تهران و بسیاری از شهرستانها بحرانی‌ترین روزهای انقلاب را با شهادت و شهادت فراوان می‌گذراندند. فرمانداری نظامی ساعت ممنوعیت عبور و مرور را ۴/۵ بعد از ظهر اعلام کرده بود که امام و دولت دستور خلاف آنرا دادند و بعداً "امام فرمودند خدعه‌ای در کار بوده میخواسته‌اند در خلأ و سکوت شهر حمله نظامی کرده ایشان را دستگیر و اعدام نمایند و معجزه‌آسا بنظرشان آمده بود که حکومت نظامی را بشکنند. هر آن خطر حمله به محل میرفت و ما شبانه شب ۲۱ بهمن را به اتفاق آقایان دکتر سبحانی، دکتر یزدی، مهندس بنی اسدی، مهندس ابوالفضل بازرگان و ابوالفضل حکیمی و عده دیگری که خاطرم نیست در آنجا ماندیم که دور از امام نبوده در ارتباط با ستاد برگزاری و حفاظت باشیم. صدای تیراندازی در سراسر شب قطع نمی‌شد و انتظار نزدیک شدن دشمن و جنگ دفاعی را داشتیم ولی صبح که روشن شد همه را بحمدالله سالم دیده روز ۲۲ بهمن ۵۷ با شکر و شادی زائدالوصف شاهد پیروزی انقلاب به فضل خدا و فداکاری مردم ایران شدیم.

دکتر بختیار و وزراء که جرات حضور در وزارتخانه‌ها را نداشتند تسلیم نشده بودند.

بعد از ظهر دوشنبه ۲۳ بهمن بهمت بعضی از دوستان از جمله آقایان مهندس امیر انتظام، عباس رادنی و مرحوم اسمعیل افجه‌ای و با استقبال عدما‌ی از کارمندان نخست وزیری در معیت آقایان مهندس صباغیان، دکتر یزدی به عمارت نخست‌وزیری رفته بصورت اداری و تشریفاتی آنجا را تصرف نمودیم و عملاً "از دولت بختیار خلع ید کردیم. بعنوان تشکل رسمی دولت اولین اقدام تعیین معاونین بود که فی‌المجلس تکلیف کردم و آنها پذیرفتند. آقایان مهندس صباغیان معاون نخست وزیر در امور انتقال، دکتر ابراهیم یزدی معاون در امور انقلاب و مهندس عباس امیر انتظام در امور اداری و روابط عمومی، دو پست و عنوان اول بی‌سابقه و لازمه وظایف و شرایط انقلاب بود. یکی برای تبدیل تدریجی دستگاه قدیم و تعیین مسئولین جدید برای مؤسسات عمده و ادارات اصلی مانند شهربانی، شهرداری، شرکت نفت، شیلات، دانشگاهها، ذوب‌آهن، راه‌آهن، هواپیمائی و غیره و دیگری برای تداوم و نظارت و حفاظت انقلاب و تاءسیس نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران و ارتباط با مقامات و مواضع انقلابی.

مطالعه و مشاوره و مصاحبه وزراء تا تعدادی که بشود کابینه را تشکیل داد بالاخره باتمام رسیده روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن از شوری درخواست تشکیل جلسه کردم برای اینکه فرصت و خلوت کافی برای بحث و تصمیم وجود داشته باشد جلسه همراه با ناهار در منزل آقای حاجی معینی یکی از تجار علاقمند آشنا با آقایان و ساکن یکی از کوچه‌های شرقی خیابان ایران تشکیل گردید. جلسه ساعتها طول کشید و روی تک تک نامزدهای پیشنهادی که همه آنها را همه آقایان شوری از سابق می‌شناختند بحث و انتقاد بعمل آمده چند تا،

از جمله آقای دکتر اصغر حاج سید جوادی را بدلیل مطالب علیه روحانیت در یکی از کتابهای سابق خود رد کردند و هفت نفری بشرح ذیل از غربال حلاجی و تصویبشان گذشت: آقایان:

۱- دکتر یدالله سحابی وزیر مشاور در طرحهای انقلاب

۲- احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور.

۳- دکتر کریم سنجابی وزیر خارجه.

۴- مهندس مصطفی کنیرائی وزیر مسکن و شهرسازی.

۵- مهندس عباس تاج وزیر نیرو.

۶- دکتر کاظم سامی وزیر بهداشت.

۷- داریوش فروهر وزیر کار.

عصر آنروز خدمت آقا رفته گزارش دادم، آیت الله خمینی رو به آقایان روحانی شورای انقلاب کرده گفتند من همه را نمی شناسم اگر شما از نظر شرعی شهادت به آشنائی و اعتماد و صلاحیت آنها میدهید و پیش خدا خود را مسئول میدانید من منصوب کنم. آقایان تائید کردند و مبارک باشد گفته و قرار شد احکامشان را بنویسم که آقا امضاء نمایند. فردا صبح بهمین ترتیب در نخست وزیری جمع شده خبرنگاران و عکاسها آمدند عکس و تفصیلات گرفتند و روزنامهها اعلام نمودند. عصر آنروز نیز در پیام تلویزیونی وزراء جدید و شروع کار دولت را به ملت اعلام نمودم. بعداً " و در مدت کمتر از یکماه بتدریج لیست وزراء تکمیل و آقایان ذیل اضافه شدند.

۸- مهندس یوسف طاهری وزیر راه

۹- علی اردلان وزیر دارائی.

۱۰- دکتر علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی

۱۱- تیمسار احمد مدنی وزیر دفاع (بعداً " تیمسار ریاحی)

۱۲- دکتر شریعتمداری وزیر فرهنگ و آموزش عالی

۱۳- ناصر میناجی وزیر تبلیغات و جهانگردی (ارشاد اسلامی)

۱۴- دکتر مشیری وزیر دادگستری

۱۵- دکتر رضا صدر وزیر بازرگانی

۱۶- دکتر شکوهی وزیر آموزش و پرورش

۱۷- مهندس علی اکبر معین فر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه.

۱۸- دکتر محمود احمدزاده وزیر صنایع

۱۹- دکتر اسلامی وزیر پست و تلگراف.

بدیهی است که بقیه وزراء نیز اگر چه کمتر شناخته شده کلیه اعضاء شورای انقلاب بودند ولی روی همه آنها بتدریج که نامزد و معرفی میشدند بقدر کافی بحث و پرسش بعمل میآمد حتی بعضی از آنها مانند آقای دکتر شکوهی در اثر مشورت و معرفی آقایان روحانی شوری انتخاب گردیده بودند. تنها در مورد تیمسار تقی ریاحی در شوری ایراد و اشکال شد و عدم آشنائی وجود داشت که آقای مطهری گفتند ما روی اعتماد مهندس بازرگان به ایشان

رأی می‌دهیم فقط در ترمیم ماههای آخر بود که بعضی از آقایان شوری ابرادهای فردی و قصد دخالت و دخل و تصرف در لیست وزرای پیشنهادی جدید ذیل (و بیشتر آقای فروهر را) داشتند که من پافشاری نموده گفتم آقایان بر طبق اساسنامه شوری وسنت پارلمانی مجلس میتوانند یکپارچه رأی بدهند یا یکجا رد کنند که با اکثریت آراء تصویب کردند. وزرای جدید عبارت بودند از آقایان:

دکتر مصطفی جمران در وزارت دفاع بجای تیمسار تقی ریاحی،
مهندس عزت‌الله سجایی در سازمان برنامه بجای مهندس معین‌فر،
دکتر حسن حبیبی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی بجای دکتر شریعتمداری

محمد علی رجائی کفیل وزارت آموزش و پرورش بجای دکتر شکوهی.
دکتر علی اسپهبدی وزیر کار بجای داریوش فروهر
و بالاخره داریوش فروهر وزیر مشاور یا وزیر سیار برای سرکشی دائمی به استانها و توجه خاص به کردستان.

البته تغییرات جزئی دیگر و جابجائیهای نیز در آن فواصل در اثر استعفاى بعضی از همکاران پیش آمده بود (و بطور کلی استعفاها غالباً در اثر دخالت‌های افراد غیر مسئول کمیته‌ها یا انجمن‌های اسلامی و مقامات روحانی در کار وزارتخانه‌ها و ادارات و مسئولین مربوط بود که مستأصل و ناچار به‌کناره‌گیری میشدند) که با طرح و تصویب در شوری و فرمان امام صورت میگرفت. از جمله:

آقای دکتر ابراهیم یزدی در وزارت خارجه بجای آقای دکتر سنجایی
آقای احمد صدر حاج سیدجوادى در وزارت دادگستری بجای آقای دکتر مبشری.

آقای مهندس صباغیان در وزارت کشور بجای آقای صدر حاج سید جوادى.

آقای مهندس معین فر در وزارت جدیدالتاءسیس نفت برای در برگرفتن شرکتهای ملی نفت و گاز و پتروشیمی.

بعد از تصویب و ترتیب ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب که بمنظور تسهیل همکاریها و مشارکت در مسئولیتها و تسریع در تصویبها و تصمیمات انجام گرفت چون آقایان از قبول وزارت استنکاف داشتند قرار شد با حضور در وزارتخانه‌ها و همچنین شرکت و حق رأی و مسئولیت در هیئت دولت پستهای ذیل را داشته باشند.

آقای هاشمی رفسنجانی معاونت وزارت کشور

آقای سیدعلی خامنه‌ای معاونت وزارت دفاع

آقای دکتر جواد باهنر معاونت وزارت آموزش و پرورش.

آقای محمد رضا مهدوی کنی با سمت قبلی سرپرست کمیته‌های انقلاب

در وزارت کشور.

از آقایان دکتر بهشتی و موسوی اردبیلی نیز مصرا "خواهش شده بود که بمنظور جلوگیری از تعارض دادگاههای انقلاب با دولت، وزارت یا لاقابل

معاونت دادگستری را همراه با سرپرستی دادگاههای انقلاب بپذیرند ولی حاضر نشدند.

آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در کمیسیون وزراء امنیتی که سرپرستی و مسئولیت کلیه امور انتظامی و جنگی و امنیتی از جمله گنبد و کردستان و خوزستان و مقابله با گروههای ضدانقلاب را بعهده داشت عضویت و نظارت و دخالت کامل داشتند. شورای دفاع نیز بدون اطلاع و مشارکت آقای خامنه‌ای تشکیل نمی‌شد و علاوه بر آن امور پاکسازی وزارتخانه‌ها بر طبق لایحه قانونی مصوب شورای انقلاب زیر نظارت عالیه یک کمیسیون نخست‌وزیری انجام میگرفت که آقایان موسوی اردبیلی و خامنه‌ای و دکتر چمران عضو آن بودند.

بعدها به دولت موقت حملات زیادی از نواحی مختلف شده‌ما را متهم به تعلق، سازشکاری، اشتباه و خیانت در دفاع از کردستان و مرزهای ایران و در مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب می‌نمودند درحالیکه اولاً "هیچگونه تعلق و سازشکاری و خطای عمدی وجود نداشته با توجه به اطلاعات و امکانات موجود حداکثر مراقبت و تلاش و خدمت بعمل می‌آمد و ثانياً آقایان شورای انقلاب بهیچوجه بیگانه و برکنار از جریانها و تصمیمات نبوده بسهم خودشان مطلع و مسئول کارها بودند ولی نه کسی به آنها ایرادی گرفت و نه آنها قیام به شهادت و دفاع از حق نمودند.

در کل مدت نه ماه دولت موقت با توسعه و تغییرهایی که در وزراء و مسئولین هیئت دولت داده شد ترتیب توزیع مجموع آنان را بر حسب پست‌ها و گروه‌بندیهای سیاسی و اجتماعی میتوان در جدول ذیل بترتیب الفبا خلاصه نمود.

۱- علی اردلان	دارائی	حزب ایران - جبهه ملی
۲- محمود احمدزاده	صنایع و معادن	نهضت آزادی
۳- علی اسپهبدی	کسار	نهضت آزادی
۴- علیمحمد ایزدی	کشاورزی	مردم ایران سابق - جبهه ملی
۵- مهدی بازرگان	نخست‌وزیری	نهضت آزادی
۶- جواد باهنر	آموزش و پرورش	روحانیون شورای انقلاب
۷- عباس تاج	نیرو	انجمن اسلامی مهندسين
۸- مصطفی چمران	دفاع	نهضت آزادی
۹- سیدعلی خامنه‌ای	دفاع	روحانیون شورای انقلاب
۱۰- محمدعلی رجائی	آموزش و پرورش	نهضت آزادی
۱۱- تقی ریاحی	دفاع	منفرد - جبهه ملی
۱۲- کاظم سامی	بهداری	جاما
۱۳- عزت‌الله سحابی	سازمان برنامه	نهضت آزادی
۱۴- یدالله سحابی	وزیر مشاور	نهضت آزادی
۱۵- کریم سنجابی	خارجیه	حزب ایران - جبهه ملی
۱۶- علی شریعتمداری	فرهنگ و آموزش عالی	جاما - جبهه ملی
۱۷- غلامحسین شکوهی	آموزش و پرورش	منفرد

۱۸- هاشم صباغیان	کشور	نهضت آزادی
۱۹- رضا صدر	بازرگانی	نهضت آزادی
۲۰- احمد صدر حاج سیدجوادی	کشور- دادگستری	نهضت آزادی
۲۱- یوسف طاهری	راه	انجمن اسلامی مهندسين
۲۲- داریوش فروهر	کار- مشاور	ملت ایران - جبهه ملی
۲۳- مصطفی کتیرائی	مسکن و شهرسازی	انجمن اسلامی مهندسين
۲۴- محمدرضا کنی	کشور	روحانیون شورای انقلاب
۲۵- اسدالله مبشری	دادگستری	منفرد - جبهه ملی
۲۶- سیداحمد مدنی	دفاع	منفرد - جبهه ملی
۲۷- علی اکبر معین فر	سازمان برنامه - نفت	انجمن اسلامی مهندسين
۲۸- ناصر میناچی	ارشاد	منفرد
۲۹- علی اکبر هاشمی رفسنجانی	کشور	روحانیون شورای انقلاب
۳۰- ابراهیم یزدی	خارجہ	نهضت آزادی
از نهضت آزادی ایران جمعا "	۱۱ نفر	یا ۳۶/۶٪ کل
از جبهه ملی و منفردین و ملیون دیگر	۱۱ نفر	یا ۳۶/۶٪ کل
از انجمن اسلامی مهندسين	۴ نفر	یا ۱۳/۳٪ کل
از روحانیون شورای انقلاب	۴ نفر	یا ۱۳/۳٪ کل

عملکرد دولت موقت در ظرف نه ماه عمر آن و سیاستها و برنامه‌های اجراشده تفصیل و توضیحاتی دارد که قسمتی از آن در نشریات و کتاب جداگانه داده شده یا داده خواهد شد.

× × ×

اعضاء و تشکیلات شورای انقلاب نیز تحولات و دورانه‌های چهارگانه‌ای بشرح ذیل داشته است.

۱- قبل از پیروزی انقلاب و تا تعیین دولت موقت در آخر بهمن ۵۷ (قبلا " صورت آن در این نوشته آمده است)
 ۲ - پس از خروج وزراء دولت موقت از شوری تا ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب در تیرماه ۵۸،
 آقایان:

طالقانی - مطهری - هاشمی رفسنجانی - دکتر بهشتی - مهدوی کنی - موسوی اردبیلی - دکتر باهنر - خامنه‌ای - تیمسار مسعودی - مهندس سبحانی - دکتر عباس شیبانی - بنی‌صدر - قطب‌زاده - مهندس موسوی - دکتر پیمان - احمد جلالی .

۳ - پس از ترمیم کابینه و ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب تا استعفای دولت موقت در آبانماه ۵۸،

آقایان: طالقانی - دکتر بهشتی - هاشمی رفسنجانی - مهدوی کنی - موسوی اردبیلی - دکتر باهنر - دکتر شیبانی - بنی‌صدر - مهندس

کتیرائی - مهندس سحابی - قطب زاده - مهندس معین فر - دکتر رضا صدر - بازرگان .

در این ترکیب بندی آقایان کتیرائی - سحابی - معین فر - صدر بازرگان - مهدوی کنی - هاشمی رفسنجانی - خامنه‌ای و باهنر در هیئت دولت و در شورای انقلاب حضور داشته پیشنهادات و نظریات حاصله همیشه برخوردار از رأی اکثریت در هر دو محل بود .

۴ - بعد از استعفای دولت موقت تا تشکیل مجلس شورای اسلامی با ادغام کامل دولت و شورای انقلاب ،

آقایان: دکتر بهشتی - هاشمی رفسنجانی (وزیر کشور) - مهدوی کنی (وزیر کشور) - موسوی اردبیلی (بنیاد مستضعفین) - خامنه‌ای (معاونت وزارت دفاع) - دکتر باهنر (معاونت وزرات آموزش و پرورش) - بنی صدر (وزیر دارائی و بعد خارجه) - دکتر شیبانی (وزیر کشاورزی) - قطب زاده (وزیر خارجه) - مهندس سحابی (سازمان برنامه) - مهندس معین فر (وزیر نفت) - دکتر رضا صدر (وزیر بازرگانی) - مهندس بازرگان .

سایر اعضاء دولت سمتی در شورای انقلاب نداشتند ولی در جلسه مشترک هفتگی دولت و شوری شرکت میکردند .

در زمینه روابط دولت موقت و شورای انقلاب ، بطور کلی باید بگویم که در مقایسه با آنچه در انقلابهای دیگر دنیا جریان داشته است و با آنچه متداول اجتماعات ایرانی و ارگانهای شورائی دولتی و سیاسی خود این مملکت دیده میشود و معمول است رویهمرفته بصورت محترمانه و مثبت و صادقانه بوده است . در هیئت دولت نیز با وجود پاره‌ای اختلاف و تعارضها ، فکر نمیکنم چنین تفاهم و همکاری صمیمانه در کابینه‌های گذشته ایران سابقه داشته باشد .

قدر مسلم این است که چه در زمان عضویت مؤثر خود ما در شورای انقلاب و چه بعد از جدائی یا ادغام دولت و شوری ، همگی یکدیگر را می‌شناختیم و غالباً " با سوابق مبارزاتی و همکاری دیرینه ، اعتماد و احترام نسبی متقابلهای داشتیم . البته آن صداقت و وفای بعهد و صمیمیتی که ما گروه ملی و نهضتی ، بخاطر مملکت و انقلاب در طبق اخلاص برای امام و شوری گذارده بودیم در طرف مقابل نمی‌دیدیم . آن آقایان بخاطر تداوم انقلاب ، تسلط بر انقلاب یا تصرف مواضع قدرت دو راه متضاد در پیش گرفتند . از یکطرف برای عقب‌نیفتادن از قافله و گرفتن حربه از دست چپی‌ها رفته رفته انقلابی‌تر و تندتر میشدند و از طرف دیگر (و البته بعفیده خودشان با حسن نیت و بقصد خدمت) برگشت ارتجاعی به سنن دیرین روحانی و همبستگی ر انحصارگری طبقاتی نموده تدریجاً " فاصله‌ها زیاد و همدردی و همکاری کم میشد و پس از استعفای دولت موقت از هم صدائی با انتقادکنندگان و حملات دوپهلوی دریغ نداشتند .

برای ما بسیار دردناک بود با آنکه آقایان در بسیاری از برنامه‌ها و اعمال مثبت یا منفی دولت و حتی پیش از پیروزی انقلاب مشارکت یا نظارت داشته تصویب کرده بودند و در هر حال بر طبق اساسنامه شورای

انقلاب و بنا به تکلیف شرعی که امام بگردنشان گذارده بودند مسئول کارهای ما در خطوط اصلی بودند. در برابر حملات ناروا و اتهامات ناجوانمردانه علیه دولت موقت که ماه‌بماه شدیدتر و وسیعتر میشد سکوت رضایتمندانه‌ای اختیار کرده احساس وظیفه وجدانی و شرعی برای دفاع از عمل مشترک و ادای شهادت بحق نمی‌نمودند.

مثلاً "علاوه بر آنکه نکتک وزیران از غربال آشنائی و الک نقادی و تصویب قریب باتفاق آقایان (منهای یک نفر) گذشته بود موقعی که بعضی مقالات و مقامات با سماجت خاص شخص بنده را بباد تهمت و ناسزا گرفته می‌گفتند علیرغم فرموده‌ام و پس از آن اصرار به اصطلاح جمهوری دموکراتیک بجای جمهوری اسلام داشته‌ام هیچیک از این یاران به مردم نگفت که در ماده اول اساسنامه شورای انقلاب تنظیمی خودمان و مصوب امام آخرین هدف شوری "ایجاد حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی" ذکر شده بوده است و اگر نخست‌وزیر منتخب ایشان در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود قبل از اعلام عنوان انحصاری "جمهوری اسلامی" از طرف امام دو واژه دموکراتیک و اسلامی را مترادفاً و متعاقباً بکار می‌برده است تاءسی و تاءیبید مصاحبه‌های مکرر معظم‌له با خارجیان در نجف و پاریس بوده است. سیاست گام بگام نیز عین متن و محتوای فرمان امام بوده است. همینطور سیاست خارجی دولت با ابرقدرتها، که بر مبنای موازنه منفی و برقراری روابط دوستانه عادی بشرط احترام متقابل و حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی قرار داشت، پس از چند جلسه بحث و بررسی در شورای انقلاب و بدون آنکه کمترین ایرادی ابراز شده یا کسی گفته باشد که با آمریکا باید قطع رابطه و اعلام خصومت نمود به تصویب رسیده بود...

از نشانه‌های حسن نیت و تلاش صادقانه دولت موقت همین‌بس که وقتی دیدیم مراکز تصمیم‌گیری کشور در تزیاید است و نهادها و مقاماتی که سرپرستی آنها بعضی از آقایان واگذار شده‌است ایجاد تشنت و تعارض و حداقل تاءخیر و اشکال در وظائف محوله بدولت می‌نماید پیشنهاد و اصرار نمودیم که دوگانگی و فواصل از میان رفته‌دخالت‌های متفرقه که خارج از قلمروی امام و نظارت شورای انقلاب باشد موقوف گردیده دولت و شورای انقلاب زیر رهبری عالی‌ه امام یک کاسه شوند (قبلاً "هم طی نامه ۵۸/۲/۱۵ گزارش جامعی در همین زمینه داده بودیم که منجر به ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب شد) و ما وقتی می‌دیدیم که جو و شرایط حاکم در روز پیروزی انقلاب و صدور فرمان نخست‌وزیر خیلی عوض شده یکپارچگی و وحدت که شرط بدیهی مدیریت است به گستردگی و کثرت مبدل شده‌است و از ناحیه بعضی از آقایان و روحانیت و نهادها انواع تفرقه و تداخل‌ها بعمل می‌آید دو راه در پیش داشتیم. یکی مجادله و مخاصمه برای احراز قدرت انحصاری، و دیگر خود را در اختیار امام گذاردن و پیشنهاد همکاری و همگامی بیشتر کردن. این طرح عملی گردیده بعضی از آقایان روحانی شورای انقلاب وارد در هیئت دولت شده تا حدودی از تعارض و تاءخیرها کاسته شد و چون مشکلات و پیچیدگیهای انقلاب و خطرات روز افزون سرعت

تصمیم و توافق و تسلط خیلی بیشتری را ایجاب می نمود در اواخر مهرماه ۵۸ هشدار داده تقاضای وحدت تشکیلاتی دوارگان اصلی یعنی دولت و شورای انقلاب را کردیم که از طرف آقا پذیرفته شد ولی مواجه با سردی و استقبال کند گردیده آقایان قبول مسئولیت اجرائی اعضاء شوری را نمی کردند در حالیکه دخالتها و مزاحمتها ادامه داشت باین ترتیب و قبل از حمله به سفارت آمریکا بخاطر مصلحت انقلاب و جمهوری اسلامی دولت تصمیم به استعفا گرفته بود نامه ذیل را خدمت امام فرستادم :

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی دامت برکاته

باکمال احترام معروض میدارد، پیرو توضیحات مکرر گذشته و نظر به اینکه دخالتها، مزاحمتها، مخالفت و اختلاف نظرها انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای همکاران و اینجانب مدتی است غیرممکن ساخته و در شرایط تاریخی حاضر نجات مملکت و بشمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی باشد بدینوسیله استعفای خود را تقدیم میدارد تا به نحوی که مقتضی میدانید کلیه امور را در فرمان رهنبری بگیرند یا داوطلبانی را که با آنها هماهنگی وجود داشته باشد ماء مور تشکیل دولت فرمایند.

باعرض سلام و دعای توفیق

مهدی بازرگان ۵۸/۸/۱۴

باین ترتیب پرونده ای که در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ با روشنی و صراحت و صداقت و با شروط و خطوط مشخص بقصد خدمت به ملت، در راه خدا و با توکل باو گشوده شده بود نه ماه بعد در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ در شرایط خواسته های دیگر ولی باز هم با همان روشنی و صراحت و صداقت و حسن نیت بسته شد. خدا را شکر می کنم که دعا و بیمانی که در سخنرانی ابتدائی دانشگاه تهران با خدا بسته و گفته بودم "رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعلنی من لدنک سلطانا نصیرا" تحقق یافت.

روابط دولت موقت با امام

در هفته های اول ترتیب و قرار مشخصی نداشت زیرا که کار خودمان روی غلطک نیافتاده بود و طبق اساسنامه شورای انقلاب تنها خط مشی کلی و اصول سیاست دولت می بایستی از طرف رهنبری انقلاب تعیین گردد ولی بزودی ضروری دیدیم که برای احتراز از سوء تفاهم ها و افتراق ها تماس مستقیم بیشتر و ارتباط منظم داشته باشیم. هفته ای یکروز قبل از ظهر بطور تقریباً "دسته جمعی به قم میرفتیم. علاوه بر آن در مواقع لازم بتنهایی یا باتفاق بعضی از همکاران خدمتشان میرسیدم. در این ملاقاتها غالباً "آقای احمد آقا خمینی حضور همکاری داشتند.

منظور از جلسات مزبور و ملاقاتهای قم‌اولا" دادن گزارش و دریافت نظریات و رهنمودهای ایشان نسبت به امور مهم انقلاب و مملکت بود و بنا بیک اصل‌بدیهی مدیریت و سیاست اصرار کرده بودیم که چنانچه ایراد و اوامری داشته باشند قبل از هر گونه اعلام یا اقدام بخود ما بگویند. ثانیاً "مسائلی پیش می‌آمد که از جنبه شرعی و فقهی یا بخاطر سیاست کلی انقلاب احتیاج بنظر ایشان داشتیم. از قبیل بهره و درآمدبانکها و ملی کردن آنها، مصادره‌ها و اعمالی که دادگاهها و بعضی کمیته‌ها میکردند، عفو عمومی ملی و دلگرمی ارتشیان و کارمندان، روابط خارجی با ابرقدرتها و همسایه‌ها، اراضی شهری و کشاورزی، مبارزه با مواد مخدر، حوادث ناگوار گنبد و کردستان و مرزها... ثالثاً "استمداد از رای و پشتیبانی معنوی و رهبری معظم‌له در مشکلاتی که پیش می‌آمد یا ابتکارها و اقداماتی که دولت لازم میدید. مانند دخالت‌های افراد کمیته‌ها و دادگاهها، تجاوز به آثار باستانی و عتیقه‌ها، توقعات غیرقانونی نامعقول کارگران، تحریکات داخل کشاورزان، مبارزه با گرانی و تورم و بیکاری و غیره.

امام نیز بعضی اوقات سفارش و تاءکیدهایی برای مستضعفین یا تسریع در تدوین قانون اساسی و اجرای احکام شرعی داشتند و گاهگاه شکایات یا اتهاماتی که علیه افرادی از رؤساء و مسئولین میرسید بما ارجاع کرده خواستار تحقیق یا تغییر میشدند.

بطور کلی ارتباط فیما بین منظم و مستمر و مثبت بوده معظم‌له را در جریان کلی امور می‌گذارديم، مخصوصاً "مهمات و مسائل حساس جنگی یا سیاست با اطلاع و تصویب یا دستور انجام میگرفت. البته اگر مصلحت‌هایی بنظرمان می‌آمد یا اختلاف‌نظرهایی داشتیم از روی صفا و صراحت بنابه احساس مسئولیت اظهار میکردیم ولی هیچگاه نه چیزی را دستور میداشتیم و نه تحریف و فریب و تملق در کارمان بود.

در مواقع فوق‌العاده و ضرورت و هر چند ماه یکبار اعضای دولت و شورای انقلاب متفقاً" به حضورشان میرسیدیم.

روابط دولت موقت با مردم

دولت موقت برای خدمت بمردم ایران آمده بفکر مردم و در میان مردم بود و علاوه بر تماسهای حضوری مستقیم هر یک از وزراء و شخص اینجانب مصاحبه و سخنرانیها و پیامهای تلویزیونی عمومی منظم داشتیم که استماع و استقبال فراوان میشد و آنها را آموزنده و امیدوار کننده و مؤثر میدانستند. در برخوردهای شهری و بازدید شهرستانها و مؤسسات مواجه با ازدحام صمیمانه انبوه مردم محل و شاهد انبساط چهره‌ها شده کاملاً" احساس علاقه و اعتماد متقابل می‌نمودیم. اما با همه اینها یکی از اشتباهات ما این بود که بگفته همکاران دکتر یزدی آدمهای بیشتر اداری و خدماتی بودیم تا سیاسی و تبلیغاتی. به مسئله تماس و تفاهم و تاءثیر روی افکار خصوصاً" جوانان انقلابی و داغ کمتر اهمیت میدادیم

و صرف وقت میکردیم تا روی امور و مشکلات کشور و وظائف اداری و اقتصادی و نظامی و امنیتی و فرهنگی گوناگون که فرمان امام و مسائل روزافزون انقلاب بدوشمان گذارده بود.

بعلاوه - داستان باور نکردنی استثنائی - دولت موقت انقلاب اسلامی ایران منتصب رهبر آن دست و زبان بسته‌ترین حکومت انقلابی روی زمین بود!

روزنامه‌های کثیرالانتشار سابقاً "دولتی، اسما" در اختیار نهادهای خارج از قلمروی دولت و عملاً "در دست کارکنان چپی - ساواکی انقلابی‌نما بود و در حالیکه نهضت آزادی بنا به تعهد روز - انتصاب نخست‌وزیری، خودداری از انتشار ارگان حزبی داشت روزنامه‌های حزبی چپی یا اسلامی و شخصی تازه در آمده، تبلیغات مخالف یا نامساعد علیه ما داشتند و همچنین است منابرو مساجد و نمازهای جمعه که نهاد تربیتی تبلیغاتی نیرومند مخصوص حکومت اسلامی بوده حالت انحصاری داشت و یکی از مراکز تصمیم‌گیری جدای از دولت و احیاناً "مقابل آنرا تشکیل میداد. مهمتر و زیانبخش‌تر از همه رادیو تلویزیون قانوناً "دولتی بود که نه تنها نقش سخنگویی و تبلیغ و اجرای برنامه‌ها و سیاست دولت (قانونی واجب الاطاعه امام زمان) را ایفا نمیکرد بلکه متصدی آن خود را شخصیت مستقل مدعی وزراء و متکی به امام دانسته گردانندگان قدیم و جدید نیز برای خود طرز تفکر و تلقی‌های خاص داشته و در مجموع و مخصوصاً "در اواخر ایام دولت موقت از کارشکنی و تبلیغات سوء درخ نمی‌ورزیدند، ضمن آنکه امام در آن زمان بمنظور احتراز از بروز دیکتاتوری در مملکت، مخالف با تجزیه قدرت نبودند.

بطور کلی عامه مردم و طبقات ملی و مسلمان مملکت، نسبت به دولت موقت، با قبول اخلاص و عقاید آن، تفاهم و تمایل داشتند ولی اقلیت گروه‌های چپی و التقاطی ما را خصمانه می‌کوبیدند و از طرف دیگر جوانان انقلابی افراطی که عشق و عقده‌های سالهای قبل از پیروزی و ناءشیرات مارکسیستی به تحریک و تعجیلشان واداشته و انقلاب و انقلابی‌بودن برایشان اصل و هدف بود، گوششان به این حرف منطقی که ماءموریت و برنامه دولت موقت بر طبق فرمان امام مرحله بمرحله و انتقالی بوده نباید انتظار حرکات خارج از نظم و مصوبات و تندی انقلابی را از ما داشته باشند، بدهکار نبود. غیر از این دو دسته افراد تشنه مقام نیز وجود داشتند که شرط اول توفیق خود برای احراز کرسی ریاست‌جمهوری را برداشتن رقیب مسلم و بدنام و خفیف‌کردن دولت موقت میدانستند. گروه روحانیت نیز معتقد و مصمم بحقانیت و حاکمیت انحصاری خود بوده ضروری میدانستند که هر حزب یا فرد و فکر شاخص را از میدان خارج سازند. ضمن آنکه در تمام این احوال و اوضاع و در همه انقلابها و امته‌ها مسائل انسانی و اجتماعی رقابت و حسادت و احراز قدرت و سیاست نقش طبیعی خود را فراموش نمی‌کند، نکته‌ای که ماروی خلوص و صداقت غافل از آن بودیم.

والله الغریز الحکیم